

## بررسی مفهوم دریا و خلیج فارس در شعر شاعران بومی جنوب (مطالعه موردی، استان هرمزگان)

یداله شهرجو<sup>۱</sup>

### چکیده

دریا و خلیج فارس در شعر شاعران هرمزگانی که از دهه سی در ادبیات این منطقه حضور دارند، جایگاه ویژه دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی مفهوم دریا و خلیج فارس در شعر شاعران بومی استان هرمزگان میباشد. راهبرد این تحقیق کیفی و راهکار اجرایی بصورت اسنادی و رویکرد آن، تحلیل محتوا و روش توصیفی تحلیلی است. پژوهش از دو مرحله اصلی: الف) توصیف و ارائه مفاهیم و ب) تحلیل، استنباط و استنتاج تشکیل شده است. دریا با بسامد بالا در شعر شاعران هرمزگان حضور دارد، اما تفاوت‌های معنایی در استفاده از این واژه کاملاً آشکار است تا جایی که دریا بعنوان یکی از شاخص‌های بومی منطقه و از سوی دیگر، سمبل و نشانی از میهن و وطن، همواره اقبال شاعران منطقه جنوب را به همراه داشته است. شاعران، دریا را بعنوان دروازه ورود مدرنیته به این سرزمین نیز قلمداد نموده و از این منظر نیز به دریا نگاه ویژه‌ی داشته‌اند. تخیل سیال، شرایطی را فراهم نموده است تا شاعران بومی بویژه در دهه‌های اخیر دریا را فراتر از مفهوم قاموسی آن در مفهومی انتزاعی نیز به تصویر بکشند.

### کلیدواژگان

خلیج فارس؛ دریا؛ شاعران بومی؛ هرمزگان

### مقدمه

دریا برای شاعرانی که در کنار آن زندگی میکنند فراتر از یک پدیده کاملاً طبیعی است. آنها با صدای آرام و آهنگین موجها، موسیقی دلپذیری را فرامیگیرند که کم‌کم در میان رشته‌های کلماتشان ریشه می‌دواند. خیال خود را به سیر پهنه آبی و بیکران دریا می‌فرستند و از تماشای روزانه آن الهام جاودانه‌ی برای سرودن می‌گیرند. کم‌کم شاعر و دریا به یک یگانگی واحدی میرسند که هر کدام از آنها میتوانند دریا یا شاعر باشند: «درون من دریاست / و دریاست تمام خطها / که تو ایستاده بودی / سلام هنوز منتظری...» (بندری، ۱۳۹۰: ۴۰).

ایماها و کاراکترهایی که ما را بسوی دریا میکشاند در میان شعر شاعران هرمزگان اندک نیست؛ المانهایی که با روح و جان و شاعر آمیخته شده و حضور هر کدام از آنها تبلوری از آرمان، آرزو و دلمشغولیهای روزانه شاعر است. «پریزاد»، «بوم» «جهاز» «جاشو» و... تنها تعداد اندکی از کارکترهایی هستند که به وفور در آثار شاعر دریانشین یافت میشود: «درپای چنار پیر ایستاده‌ام / تا بگذرد پریزاد مست دریا / بر ساحل بی‌ترانه نگاهم /...» (انصاری‌نسب، ۱۳۸۴: ۴۶).

«ای بوم تو میش مغرور / چه ساده میگذرد / از ریشه‌های سرخوش لور /...» (رضایی، ۱۳۹۱: ۷۰).  
«قاصدی که از بوی جهاز بگذرد / نقش هزار خبر / بر گوشه حصیر مینشانند /...» (همانجا).

این شاعران حتی از گذر شعر سعی وافر دارند تا مفاهیم

۱. مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی شهرستان میناب، مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب؛ yadolah.shahrjoo@gmail.com

برای شاعران دریانشین، دریا و مفاهیم آن کاملاً درونی شده است. شاعر برای سرودن، تخیل، تشبیه و بکارگیری هر کدام از عناصر هنری در شعر خویش، دریا را دم دست دارد و چه مفهومی سهل‌الوصلتر از آنکه هر روز و هر ساعت و هر لحظه آن را زیسته است:

«دریا که دم دست است / میماند باغ و / این چیزهای دیگر / ....» (فرح، ۱۳۸۳: ۹).

شاعران جنوبی تاب دوری از دریا را ندارند، همانند ماهی میمانند که دوری از دریا برایشان ناممکن است. حتی زمانی که در کنار این آبی آرام و گاهی پریشان هم زیست میکنند در فراق و دوری چند روزه و حتی چند ساعته آن مینالند؛ گویی همیشه این اضطراب را با خود دارند که شاید روزی دریا را نداشته باشند:

«روزی دوباره بر آن دریا / خانه‌ای بتماشای اختران / و جزایر مه گرفته بسازم....» (کرمی، ۱۳۸۳: ۲).

در ادبیات کهن فارسی، دریا در معانی و مفاهیم مختلف همواره مورد استفاده شاعران و نویسندگان قرار گرفته است. «عینی‌ترین و حسی‌ترین کاربرد واژه دریا» آنجاست که دریا در معنای قاموسیش «sea» بکار می‌رود. (فتوحی، ۱۳۸۰: ۲۴). این شیوه بکارگیری از واژه دریا به دوره یا سبک خاص محدود نیست، بلکه شاعران و نویسندگان در طول ادوار مختلف این واژه را با بسامد بسیار بالا در آثار خود بکار گرفته‌اند. پدیدآورندگان در این نوع از استفاده، بشکل عینی دریا نظر داشته‌اند و سعی کرده‌اند با کمترین دخل و تصرف معنایی آن را برای مخاطب بتصویر بکشند. گرچه گاهی دریا را در فضایی اغراق‌آمیز قرار می‌دهند، اما بازهم معنای قاموسی آن مورد نظر است؛ مانند این بیت از مولوی که گرچه در ابتدای امر فضای اغراق‌آمیزی را بذهن متبادر میکند، اما باز هم معنای قاموسی دریا در آن مورد نظر است:

«قطره‌ای زایمانش در بحر آر رود بحر اندر قطره‌اش غرغه شود....» (مولوی، ۱۹۹۳: ۵۲).

دریا فراتر از معنای قاموسی آن نیز فراوان بکار رفته است. «انتزاعی‌ترین مفهوم این واژه در قلمرو نماد است

خاص دریایی را نیز به چرخه لغات ادبیات فارسی بیفزایند. در این شعر، شاعر واژه «خواهر» را بمفهوم آرام‌بودن که یک اصطلاح خاص دریایی است بکار برده است: «دریا هر چه خواهر باشد / از خواب تو می‌آشوبد / ....» (همان: ۷۵).

ابراهیم منصفی<sup>۱</sup>، مجرم بستکی<sup>۲</sup>، باقر<sup>۳</sup> و محیا<sup>۴</sup> از جمله شاعرانی بوده‌اند که در وصف خلیج فارس و با درونمایه فرهنگ و مردم‌شناسی خلیج فارس، به واژه‌پردازی پرداخته‌اند. اشعار این شاعران فرهنگ مردم این حوزه، مشحون از شاخصهای فولکلوریک است و از اینروست که پیوندی عمیق و رابطه‌ی صمیمی با زندگی عادی مردم دارد و در واقع، بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوه کار و تولید و نحوه زیستن و نشان‌دهنده رفتار، منش، اندیشه و تعلق خاطر و دلبستگیها و وابستگیهای این دیار پر رمز و راز و سواحل مرواریدخیزش می‌باشد. حبیبی (۱۳۹۰) معتقد است که شعر شاعران بومی‌سرای هرمزگان و کناره‌های خلیج فارس حکمت و پند است؛ پند و اندرزی که چون قند، شیرین و دوست‌داشتنی است و همگان با خواندن و شنیدن آن، شکر شکن میشوند. این چنین ادبیاتی که معمارانی راست‌اندیش آن را اندیشمندانه پایه‌گذاری کرده‌اند بر ما واجب میگرداند که اولاً، از سر شوق و علاقه به فراگیری آن مبادرت ورزیم و تمامی هم و غم خویش را در این راه مقدس مصروف داریم و ثانیاً، پس از علم و آگاهی، در حفظ و حراست این زبان که از بزرگترین افتخاراتمان می‌باشد، از هیچ کوششی دریغ نورزیم.

۱. ابراهیم منصفی، فرزند محمد، متخلص به «رامی» در آذرماه ۱۳۲۴ ه.ش از پدری مینابی در بندرعباس پا به عرصه وجود گذاشت. اولین اثر تألیفیش بنام *مروارید ساحل* شامل سروده‌هایی به سبک نیمایی و کلاسیک منتشر شد. رامی به فارسی و گویشهای محلی بندری، بستکی و گوده‌یی شعر میگفت.

۲. محمدحسن غیرت، متخلص به «مجرم بستکی» فرزند فایز بستکی بسال ۱۲۷۸ ه.ش در بستک متولد شد. وی در بیشتر قالبها، بخصوص در غزل، رباعی و دوبیتی اشعار فراوان سروده است. مجرم بستکی در سال ۱۳۴۳ ه.ش در بستک دار فانی را وداع گفت و در همانجا به خاک سپرده شد.

۳. نامش «نظام» و نام پدرش «ولی» و تخلصش «باقر» و اهل فداغ از توابع لارستان فارس بود. باقر، دو بیتی‌سرا و ترانه‌گویی است که فی‌البداهه شعر و شروا میگفت. وی از لحاظ تاریخی در دوره صفوی میزیسته و با محیا، شاعر معروف دوبیتی‌سرای جنوب و سواحل و جزایر خلیج فارس، هم‌عصر بوده است.

۴. سید محی‌الدین، فرزند سید تاج‌الدین بن سیدقطب‌الدین متخلص و معروف به «محیا» اشعار زیادی سروده و دوبیتیهای معروفی دارد که بااصطلاح محلی «شلوا یا شلوا» مینامند. محیا از شاعران سبک هندی است.

کار چندان آسانی نیست. فراوانی مدلولهای مورد نظر پدیدآورندگان، پهنه گسترده‌یی از معانی مختلف را پیش روی مخاطب قرار داده است. «دریا از جمله کهن‌الگوها و نهادهای عرفانی است که بسختی میتوان معنای واحدی برای آن در نظر گرفت و غالباً با استناد به ترکیبات فرعیشان میتوان معنای احتمالی آن را قوت بخشید» (صارمی، ۱۳۸۶: ۱۵).

دریا در آثار عرفانی بیشتر رمز حق تعالی است و نمادی برای مفاهیمی مانند رابطه خالق و موجودات، فنا، توحید، تجلی عشق و آفرینش است. عطار در بیت زیر رسیدن به توحید و یکی شدن با ذات الهی را «همرنگ شدن با دریا» مینامند: «اگر هم‌رنگ دریا گودی امروز شوی در وی تو هم در شب افروز» (عطار، ۱۳۷۵: ۱۵۱).

در بررسی پیشینه پژوهش، اسناد زیادی در رابطه با خلیج فارس موجود میباشد. در اولین دایرةالمعارف که بسال ۱۳۵۱ و اولین اطلسها که بسال ۱۷۶۰م در فرانسه به چاپ رسیده، نام «خلیج فارس» بکار برده شده است. آرنولد ویلسن (۱۹۲۸م) کتابی بنام خلیج فارس منتشر کرد و نوشت در گذشته و حال برای زمین شناسان، باستان شناسان، تاریخدانان، جغرافیدانان، سیاحان، بازرگانان و دانش پژوهان هیچ آبراهی بیشتر از خلیج فارس اهمیت نداشته است (تجدد، ۱۳۸۹: ۹).

ناصر خسرو قبادیانی در جریان سفر خویش از خلیج فارس نیز عبور کرده و در سواحل آن به سیاحت پرداخته است. لیکن این شاعر بلندآوازه در آن عصر به مشاهدات خود درباره زندگی مردم و هر آنچه که بنظرش جالب توجه آمده، اکتفا کرده است (وزین پور، ۱۳۵۶: ۱۰۴).

در طول تاریخ، غالباً رویکرد شاعران و هنرمندان جنبه حق طلبانه داشته است؛ چنانکه از آنان بعنوان «قانونگذاران گمنام بشریت» یاد شده است و در این معنا شواهد و سخن بسیار میتوان گفت. اشعاری را که تا کنون درباره خلیج فارس سروده شده، میتوان به چند گروه تقسیم کرد که عبارتند از: - اشعاری که در ستایش ایران سروده شده و در بخشی از آن به خلیج فارس اشاره شده است.

که مصداق و مدلول معینی برای آن نمیتوان تصور کرد» (فتوحی، ۱۳۸۰: ۲۴). گسترده‌ترین پهنه برای این مصداق، ادبیات عرفانی است. در آثار عین‌القضاة، بهاء ولد، سنایی، عطار، مولوی و... نماد دریا با مدلولهای خاص آن سخت مورد توجه است. در آثار این پدیدآورندگان، دریا و متعلقات آن از جمله «قطره، موج، مروارید، کشتی و... بسامد بسیار بالایی دارند».

کهنترین نام خلیج فارس که در کتیبه‌های آشوری با عنوان «نارمرتو»<sup>۱</sup> آمده است. در تنگه هرمز کتیبه‌یی از داریوش اول (داریوش بزرگ) بدست آمده که در آن بزبان پارسی باستان چنین مفهومی نوشته شده است: «دریایی که از پارس می‌رود». این خلیج را از زمان ساسانیان دریای پارس می‌گفتند. فلاویوس آریانوس<sup>۲</sup> در آثار خود از این خلیج با نام «پرسیکوس»<sup>۳</sup> یاد کرده است. استرابین، جغرافیدان یونانی، که در سده اول پس از میلاد میزیست، همین نام را بکار برده است. در کتابهای لاتین سده‌های میانه (قرون وسطی)، نام «پرسیکوس سینوس»<sup>۴</sup> یا «پرسیکوم ماره»<sup>۵</sup> بکار رفته است. در دیگر زبانهای زنده دنیا نیز واژه «پرسیکوس» با دگرگونی اندک بکار رفته است.

دانشمندان مسلمان، چه عرب تبار و چه ایرانی تبار، در همه کتابهای جغرافیایی و تاریخی، از «خلیج فارس» با نام «بحرفارس»، «البحر الفارسی» یا «خلیج فارس» یاد کرده‌اند. مسعودی، تاریخ‌نگار و جغرافیدان عرب که در سده چهارم هجری میزیسته و طی سفری از بغداد به خلیج فارس و سپس کرمان، ورارود (ماوراءالنهر) و چین رفته است، میگوید: «دریای عمان دنباله بحر فارس است». اصطخری، جغرافیدان ایرانی سده چهارم هجری و ابن حوقل بغدادی نیز چنین نظری داشته‌اند و در آثار خود همواره از «بحرفارس» یاد کرده‌اند.

رسیدن به نقطه واحد معنایی از واژه دریا در آثار عرفانی

۱. «Nar-Merratu» بمعنای دریای تلخ است که به شوری بسیار زیاد آب این دریا اشاره دارد.

۲. تاریخ‌نگار یونانی که در سده دوم پس از میلاد زندگی میکرده است.

۳. «persikon Karitas» بمعنای خلیج پارس است.

4. persicussinus

5. persicus mare

بانوان شاعر ایرانی نیز در بیان حماسه خلیج فارس نقش و سهم ارزنده‌یی داشته‌اند که هر اثری در اینباره جلوه دیگری از ذوق و هنر و ایمان شکوهمند ملتی متمدن و غیرتمند است به آب و خاک اهورایی خویش. چند تن از بانوان شاعر ایرانی عبارتند از: عطیه پژمان، سارا جلوداریان، پروانه نجاتی، سیمین دخت وحیدی، سارا سادات باختر.

نام خلیج فارس تنها در اشعار شاعران ایرانی مورد استفاده قرار نگرفته است، بلکه شاعران ملل دیگر نیز در سروده‌های خویش از خلیج فارس نام برده‌اند؛ چنانکه سید محمد اکرم، شاعر معاصر پاکستانی، در غزلی بزبان فارسی چنین سروده است:

«در خلیج فارس بنگر، کفر سرافراخته با هزاران لشکر طاغوتی خود باخته...» (جام جم، ۱۳۸۷: ۱۱).

در گونه‌یی از اشعار اگرچه بصراحت نامی از خلیج فارس آورده نشده، اما خواننده یا شنونده شعر درمی‌یابد که موضوع شعر کاملاً مرتبط با خلیج فارس است؛ بعنوان مثال، میتوان از ادعاهای پوچ و مضحک یکی از شیخ‌نشینهای یاد کرد که تاریخ آن به دویست سال هم نمی‌رسد و با وقاحت تمام ادعای مالکیت بر سه جزیره ایرانی را دارد. در این شعر، محمدرضا سهرابی نژاد بدفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران بر خلیج فارس سخن گفته است:

«این از شرم برهنگان / هرگز، هرگز، صاحب تنبان نخواهند شد / این را ابوموسی می‌گوید و فرزندانش...»

شرفشاهی (۱۳۸۹) معتقد است در برخی دیگر از اشعاری از ایندست، دیگر مسائل مربوط به خلیج فارس ذکر شده است و در اشعاری نیز که جنبه ملی دارد، شاعر بذکر نام جزایر و دیگر خصوصیات مربوط به خلیج فارس پرداخته است؛ هر چند که ظاهراً نامی از خلیج فارس نبرده است (که این موضوع گاه مربوط به تنگنای وزن و قافیه بوده) اما بر مخاطب آگاه پوشیده نیست که شاعر قلباً به این موضوع متمایل بوده و این احساس در کلیت شعر نمایان است.

بخشی از حماسه هشت سال دفاع مقدس مربوط به دلاوریها و از جان گذشتگیهای رزمندگان پرتوان میهن اسلامی

– اشعاری که درباره خلیج فارس سروده شده و زیباییها و ویژگیهای آن بیشتر مورد نظر شاعر بوده است.

– اشعاری که درباره جزایر و یا شهرهای ساحلی خلیج فارس سروده شده و از خلیج فارس نیز در شعر سخن گفته شده است.

– اشعاری با حال و هوای حماسی درباره خلیج فارس که مشخصاً پیرامون جعل نام خلیج فارس توسط برخی از سران وابسته عرب و توطئه‌گران غربی میباشد.

– اشعاری درباره سلحشوریها و جانبازیهای رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس و پاسداری از حریم دریایی ایران در خلیج فارس.

– اشعاری با حال و هوای ترانه و مضامین گوناگون.

– اشعار محلی و عامیانه (فولکوریک)

– اشعاری که سرایندهگان آن ایرانی نیستند و در شعر خویش از خلیج فارس نام برده‌اند (شرفشاهی، ۱۳۸۹: ۱۰).

روانشاد ابوالقاسم حالت، شاعر، مترجم و طنزپرداز پرآوازه معاصر در قصیده‌یی بلند ۱۲۵ بیتی، ضمن بیان تاریخچه خلیج فارس به توطئه‌های بیگانگان در این منطقه اشاره داشته و کوشیده است تا پرده از دسیسه‌یی که مزدوران اجنبی در جهت نفاق بین ملت‌های منطقه دارند، برگیرد. وی نام این چکامه را «خلیج فارس» نهاده و در آغاز شعر مقدمه‌یی دارد که ذهن خواننده را برای ورود به دنیای این شعر آماده می‌سازد (همانجا).

سروده‌های شاعران معاصر درباره خلیج فارس بسیار است و هریک از زاویه‌یی به این موضوع پرداخته‌اند که میتوان به اشعار شاعرانی همچون عبدالحسین انصاری‌نسب، مصطفی بادکوبه‌ای هزاه‌ای، محمود رضا برامکه، پرویز بیگی حبیب‌آبادی، علیرضا پورحسین، محمدخلیل جمالی‌مذنب، عادل حسنی، جعفر حمیدی، کریم رجب‌زاده، محمدرضا سهرابی‌نژاد، علیرضا شجاع‌پور، علیرضا طبایی، علی غیاثی، عبدالجبار کاکایی، سیدحسین مهدوی، سیدعلی میربازل، غلامحسین محمدی گلپایگانی، شفیعی کدکنی، نواب صفا، رضا شیبانی، محسن حسن‌زاده، سیدمرتضی کراماتی، رضا نیکوکار، حسین ملکیان، علی فردوسی، عبد‌الرضا کوه‌مال جهرمی و مهدی فرجی اشاره کرد.

از بررسیهای صورت گرفته شده در متون ادبی و اسناد تاریخی موجود میتوان بخوبی با دیدگاههای مورخان، شاعران، نویسندگان، ترانه‌سرایان ایرانی و غیرایرانی درباره خلیج فارس آشنا شد. واژه‌پردازی که درباره خلیج فارس و دریا صورت گرفته، حاکی از حقیقت بی‌بدیل و تأثیرگذار آن در عمق جان و روح شعراست. اما آنچه هدف اصلی این پژوهش میباشد، بررسی دیدگاه شاعران نوپرداز استان هرمزگان با مقوله دریا و مفهوم خلیج فارس است.

### روش پژوهش

از آنجا که در این پژوهش، اطلاعات و داده‌ها از طریق مطالعه کتب مجموعه اشعار، اسناد و مدارک موجود در کتابخانه‌ها، وب سایت‌های علمی - پژوهشی و... جمع آوری گردیده، روش انجام تحقیق کتابخانه‌ای و بصورت کیفی میباشد. از سوی دیگر، چون تجزیه و تحلیل اطلاعات در اشکال مختلف غیر کمی یا غیرمقداری هستند و مداخله کنترلی از سوی محقق اعمال نخواهد شد، مدل تحلیل این پژوهش، تحلیل توصیفی - تطبیقی است. اجرای تحقیق توصیفی میتواند برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد (بازرگان و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵). پژوهش تحلیلی، پژوهشی است که براساس آن، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتاب بدست آمده است، بگونه‌ای سامان‌دهی میشود که به پرسشهای پژوهش پاسخ داده شود (همانجا).

### جامعه آماری پژوهش

در این تحقیق، جامعه آماری پژوهش شامل مجموعه کتب اشعار موجود در کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی، مقالات و نشریات مرتبط با مضمون دریا و خلیج فارس و شاعران هرمزگان میباشد.

### روشها و ابزار گردآوری اطلاعات

در جمع‌آوری منابع به سه مؤلفه توجه گردیده است: الف) منابع دست‌اول و کتابهایی که توسط اندیشمندان در زمینه خلیج فارس نوشته شده است. در این تحقیق، جمع‌آوری منابع، ناظر بر دو بخش است: منابعی که در مورد مفهوم

در خلیج فارس و پاسداری از مرزهای دریایی کشورمان است. این مهم مضمون حماسی بسیاری از سروده‌های شاعران معاصر بوده که در ادبیات معاصر نمودی چشمگیر دارد: «... و عشق / که در خون جوان ساقه‌ها تناور میشد / خلیج فارس از عظمت تقدس پیکرها میلرزید / سرود سرهای بی تن بود / و تنهای تکه تکه / که هزاران چراغ میشد / تا بی‌نهایت هستی / و ستاره‌ها سلام میگفتند...» (اطلاعات، ۱۳۸۷: ۱).

شرفشاهی معتقد است که یکی دیگر از جلوه‌های عشق ایرانیان به خلیج فارس دنیای سحرانگیز و دلپذیر ترانه‌هاست. ترانه‌ها آمیزه‌ی از شعر و موسیقی است که این آثار غالباً با استقبال گسترده خاص و عام روبرو است. ترانه‌ها زاینده یک کار دشوار و منظم حرفه‌ی است که توسط یک گروه متشکل از شاعر، آهنگساز، نوازنده و... تهیه، اجرا و پخش میشود.

بی‌گمان یکی از روشهای مؤثر در انتقال مفاهیم مهم و حساس، بهره‌جستن از فرهنگ ترانه است که تمامی اقشار جامعه نسبت به آن علاقمند هستند و از این طریق میتوان انگیزه توده مردم را جهت مشارکت اجتماعی افزونتر و حضور پویا و پرثمرتر تقویت کرد. در دهه اخیر ترانه‌های متعددی با مضمون «خلیج فارس» سروده شده که در میان آنها میتوان به اشعار و ترانه‌های عبدالجبار کاکایی و کامران شرفشاهی اشاره کرد.

رویکرد شاعران معاصر ایران که میراث‌دار سخن‌سرایان نامدار جهان هستند به سرودن از خلیج فارس، حرکتی ژرف و خودجوش است که بر حقانیت این نام کهن اصرار و التزام دارد. عبارت دیگر، هر اثر ادبی و هنری که با تأکید بر هویت خلیج فارس آفریده میشود، بمنزله سند دیگری است که بر اصالت این نام گواهی میدهد. خلق آثار هنری و ادبی نشانگر این واقعیت است که ادبا و هنرمندان این سامان که آیینهای زلال و وجدانهای بیدار عصر خویش هستند، هشیارانه بر تحرکات عصر خود نظارت و اشراف دارند و تا این عشق و شور مقدس در سینه‌های فرهیختگان و دوستداران ایران موج میزند، ناملایمات و توطئه‌ها راه بجایی نخواهند برد.

### یافته‌ها

#### بازتاب اقلیم و جغرافیا در شعر نو و ادبیات امروز

ظهور نیما همراه با گشودن دریچه‌های تازه به روی ادبیات ما بود. شعر نیما با همه کلیتی که داشت، رنگ محلی آن روشنترین رنگها بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۲۵). انعکاس اقلیم و جغرافیای محلی و منطقه‌یی که در ابتدای کار با اشعاری همچون «داروگ» نیما به ادبیات امروز معرفی شد، کم‌کم بصورت گسترده‌تر در شعر پیروان نیما نیز بازتاب یافت؛ بگونه‌یی که میتوان آن را یکی از شاخصه‌های مهم شعر نو نیمایی بحساب آورد. این ویژگی در ادبیات پیشین مانمود بسیار اندکی داشته است «افق بینش طبیعت بر اساس دید پیشینیان یک حالت ثابت و رنگ مخصوص به تمام شعرها میداد» (همانجا). اما در شاعران عصر نیما و پس از آن کم‌کم با نهادینه‌شدن این شاخص شعر آنها به درجه‌یی از تشخیص رسید.

پیامد بهره‌گیری از این ویژگی در مرحله نخست، بدون شک بر غنای دایره لغات مورد استفاده شاعران افزود. نیما و پیروانش در پی بازتاب اقلیم و جغرافیای بومی با استفاده از رنگ محلی، واژگان و تعبیرات خاص خود را نیز به دایره لغات ادبیات و شعر کشاندند و عجیب آنکه برای پذیرش این لغات و تعبیرات با کمترین مقاومتی روبرو بودیم.

در مرحله بعد به تمایز و تنوع زبانی در شعر شاعران این دوره نیز میتوان اشاره کرد. این تمایز و تنوع هم در نمود عینی و ظاهری شعر و هم در دریافت ذهنی و مفهومی شعر تأثیرگذار بوده است. بدون شک یکی از دلایل اقبال شعر و ادبیات امروز را باید در همین نکته جستجو کرد. در میان پیروان نیما یکی از کسانی که در بهره‌گیری از این ویژگی مهارت خاصی را از خود نشان داده «منوچهر آتشی» است؛ آتشی که پس از انتشار مجموعه آهنگی دیگر خود را به ادبیات امروز معرفی کرد، در این مجموعه تأثیر آب و هوای بوشهر بویژه آفتاب سوزان و دریا و سایر ویژگیهای اقلیمی و منطقه‌یی را بنمایش گذاشته است (تمیمی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

کارکرد مثبت و تأثیرگذار این شاخص زمانی آشکار میشود که بدانیم هر یک از شاعران این دوره برای بهره‌گیری از این

دریا در شعر شاعران هرمزگان است و منابعی که در زمینه خلیج فارس است. محقق در هر دو مورد به کنکاش و جستجو پرداخته تا با کسب اطلاعات مفید و ارزشمند بر غنی‌تر شدن تحقیق بیفزاید. (ب) منابع دست دوم شامل منابعی که توسط اشخاص و نویسندگان و شعرا دیگر در مورد خلیج فارس نوشته شده است از جمله: مجموعه اشعار، پایان‌نامه‌ها، مقالات، نشریات، روزنامه‌ها، مجلات، رسانه‌های عمومی و... .

ابزار تحقیق ما در این پژوهش، فیش‌برداری از منابع دست اول و دوم بوده است. (ج) سایتهای الکترونیکی؛ چنانکه از بسیاری از مقالات و نشریات و ماهنامه‌های الکترونیکی استفاده گردیده است. برای تحلیل منابع از روش تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده که مستلزم انجام سه فعالیت است: تلخیص داده‌ها، عرضه داده‌ها و نتیجه‌گیری و تأیید.

تلخیص داده‌ها: در این مرحله، اشعار و نظرات اهل قلم و صاحب نظران در باب خلیج فارس و مفهوم دریا با توجه به سؤالات تحقیق، خلاصه و سازماندهی شده‌اند و از تکرار مطالبی که ممکن است از منابع مختلف اخذ شده باشند، ممانعت بعمل آمده است.

عرضه داده‌ها: در این مرحله، اطلاعات مهم و مرتبط در یک مجموعه به هم پیوسته و سازماندهی شده، با توجه به سرفصلهای تعیین شده، تنظیم و ارائه شده‌اند تا بتوان بر اساس آنها به نتیجه‌گیری مستدل و مستند پرداخت.

نتیجه‌گیری و تأیید: در این مرحله به بررسی مفهوم دریا در شعر شاعران نوپرداز هرمزگان پرداخته شده و پاسخی روشن به سوال تحقیق داده شده است.

در اینصورت در تحقیق حاضر که پژوهشی کیفی است، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ زیرا از طرفی در پی شناسایی دیدگاه‌های شاعران نوپرداز هرمزگان در باب مفهوم دریا بوده و از طرف دیگر، در پی تحلیل و کشف عناصر و مفاهیم اصلی در اشعار این شاعران بوده است.

از سعید آرمات، موسی بندری و علی آموخته‌نژاد میتوان بعنوان چهره‌های تأثیرگذار شعر دهه هفتاد ایران نام برد. با ظهور چهره‌هایی مانند محمد ذوالفقاری، یدالله شهرجو، ساجده کشمیری، جواد قاسمی، عبدالمجید انصاری‌نسب، امین امیری، طیبه شنبه‌زاده و... نوید روزهای بهتری برای شعر این سامان داده شد. غالب چهره‌هایی که در این دوره از آنها یاد شد از جمله چهره‌هایی هستند که با شعر دهه هفتاد و ویژگی‌های آن در شعر این منطقه معرفی شدند. پس از عبور شعر مفهومگرا و اندیشه‌مدار دهه چهل و پنجاه با مقدمه‌چینی‌های یداله‌رویایی کم‌کم به تئوریهای زبان میرسیم. با ظهور تئوری زبانی توسط رضا براهنی که در کتاب *خطاب به پروانه‌های خود* به آن پرداخته است، شعر دهه هفتاد با ویژگی‌های خاص خود از راه میرسد؛ شعری که در آن بنوعی بازبیهای زبانی بجای قدرتهای بلاغی شعر معرفی گردید و برخلاف شعر در دهه‌های قبل که اقبال قابل توجهی به معنا و مفهوم از خود نشان داده بود و رویکرد آن استفاده بیشتر از امکانات زبانی بود، در این دوره زبان بعنوان یکی از بنیانی‌ترین ابزارهای بیانی مطرح شد.

#### بازتاب چهارگانه دریا در شعر شاعران نوپرداز هرمزگان

دریا با بسامد بالا در شعر شاعران نوپرداز هرمزگان حضور دارد، اما تفاوت‌های معنایی در استفاده از این واژه کاملاً آشکار است. دریا و متعلقات آن همواره از نظرگاه‌های متفاوت مورد استفاده شاعران این منطقه قرار گرفته است. شاعر بنا به معانی ذهنی که در سر می‌پروراندند دریا را از چهار منظر مورد توجه میدهد:

- الف) نوع اول: در این نگاه، شاعر این واژه را برای انعکاسی از اقلیم و جغرافیای بومی مورد توجه قرار میدهد.
- ب) نوع دوم: در نوع دوم، مقصود شاعر از بکارگیری واژه دریا، اشاره مستقیم بخلیج فارس است که بویژه در سالهای اخیر، جنبه ملی - میهنی آن همواره مورد توجه بوده است.
- پ) نوع سوم: شاعران نوپرداز هرمزگان و البته سایر دریانشینان منطقه جنوب در دهه‌های سی و چهل، دریا را بمنزله دروازه مدرنیته تصور کرده‌اند و در اشعار خویش نیز این نگاه و تصویر را از ذهن دور نداشته‌اند.

شیوه آن را از صافی ذهن و اندیشه خود عبور داده و میتوان گفت آن را برای خود درونی کرده‌اند. بر همین اساس است که شاهد بازتاب متفاوت و دوگانه بعضی از عناصر یکسان در شعر شاعران مختلف هستیم. نگاه نیما به دریا با نگاه آتشی به همین عنصر کاملاً متفاوت است؛ چرا که هر دوی آنها این عنصر را با توجه به شرایط اقلیمی منطقه خود تعریف کرده و بنمایش گذارده‌اند و البته این نکته کاملاً طبیعی است؛ «چرا که عناصر طبیعت در همه جا یکسان نیست، بلکه در جغرافیا و مکانهای مختلف، مفاهیم گوناگونی را القا میکند» (نقوی، ۱۳۸۸: ۹۶).

در شعر شاعران نوپرداز هرمزگان بویژه شاعران نسل اول، این ویژگی بخوبی قابل حس و دریافت است؛ «ابراهیم منصفی» و «حسن کرمی» دو چهره شاخص از شاعران نوپرداز نسل اول از جمله کسانی هستند که به استفاده از این شاخص و کارکرد بسیار مهم، اقبال نشان داده‌اند؛ منصفی با بهره‌گیری از فضای بومی و منطقه‌ی جنوب، شعر خود را در آن روزگار به درجه‌ی از تشخیص رسانده که خود او در گفتگو با مجله فردوسی میگوید: «همیشه در ذهنم آفتاب داغ تابستان و دریا و خشکی و تشنگی هست» (منصفی، ۱۳۴۸).

#### آغاز جریان نوپردازی در شعر هرمزگان

هرمزگان که حرکت جریان شعری خود را متأثر از اغلب نقاط کشور در اواخر دهه سی آغاز کرده بود، با درخشش چهره‌های تأثیرگذارش در دهه چهل - ابراهیم منصفی، حسن کرمی، مسعود فرح، م پگاه و محمدحسن جمشیدی - به دوره میانی شعر خود رسید؛ دوره‌ی که متأثر از فضای ملت‌پسند سیاسی آن سالها حرکتی کند و کم‌تأثیر را با خود همراه داشت. حرکت و خیز بلند شعر هرمزگان به اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد برمیگردد؛ دوره‌ی که میتواند عنوان درخشانترین دوره شعری این منطقه را بخود اختصاص دهد، ظهور چهره‌های جوان و با انرژی، اقبال بسمت نوآوریهای رایج در شعر آن روزها، نشر آثار شاعران این دوره در نشریات ادبی، انتشار چندین مجموعه شعر در فاصله سالهای میانی دهه هفتاد و اواخر آن، این دوره را متمایز از سایر ادوار شعر هرمزگان کرد.

به عاریت میگیرند.

«این شعر اینجا تمام نمیشود / بروید روی صندلی همان شاگردی / که در کنار دریا تمام میشود /...» (آرمات، ۱۳۸۰: ۱۱).

(چادرت را بدریا میبخشی / و بر تخته‌های زخمی / آن قدر خسته میشوی / که یادت می‌رود / پاده‌های دلت را / از دریا بگیری /...) (آموخته‌نژاد، ۱۳۷۹: ۲۷).

«دریاست / شلاق زلالی / بر تن مرد و صغرها / در زوزه کشان سکوت / دستهایی در بالای موج / دو پاره رها شده از قایق / کفشهای پر از آب / غریقی غلتان در ساحل /...» (آرمات، ۱۳۷۷: ۱۳).

متعلقات و اصطلاحات خاص دریایی را تنها میتوان در میان شاعران دریانشین سراغ گرفت. آنها با بسیاری از این اصطلاحات ارتباط مستقیم، دریا و متعلقات آن را تصویر میکشند: «هیچگاه دور نبوده‌ی / هر صبح خورشید را کنار زده‌ام / پولک‌های جلبیلت / برای جاشوان روی عرشه / دست تکان میدهند /...» (شهرجو، ۱۳۸۵: ۴۱).

«پولک، جلبیل، جاشو، عرشه» اصطلاحات خاص مناطق دریایی است که در این شعر، شاعر آنها را در خلال شعر بتصویر کشیده است و یا در این شعر، شاعر اصطلاح «خور» را که یک تعبیر کاملاً دریایی است در شعر خویش آورده است: «متأسفم که این خور / خاکستر مرا هم مجبور است بسوزاند /...» (انصاری‌نسب، ۱۳۸۴: ۱۳).

شاعر هرمزگانی هرگاه برای حضور نشانه و مؤلفه‌های بومی به سراغ ناخودگاه ذهن برود، خالق تصاویری میشود که بوی ساختگی و تصنعی بودن را نمیدهد. در این تصاویر، شاعر برای خلق صحنه‌ها، فضاها، تصاویر و تعابیر شاعرانه ناخودآگاه ذهن خود را بنمایش میگذارد و مخاطب آن را بعنوان آفریده‌هایی که از دل برآمده است میپذیرد و لذت میبرد:

«دریاست / شلاق زلالی / بر تن مرد و صغرها / در روزه کشان سکوت / دستهایی در بالای موج / دو پای رها شده از قایق / کفشهای پر از آب / غریقی غلتان در ساحل /...» (کریمی، ۱۳۸۳: ۵۹).

ت) نوع چهارم: دریا و متعلقات آن گاهی از معنای قاموسی آن فراتر رفته و شاعران هرمزگان بعنوان نماد از آن سود جست‌ه‌اند. این نوع بکارگیری واژه دریا گرچه بندرت انعکاس یافته ولی شاعران نوپرداز نسل اول - یعنی دهه سی و چهل - به شکل نمادین این واژه نیز توجه خاص داشته‌اند.

الف) نوع اول: دریا بعنوان بازتابی از اقلیم و جغرافیای جنوب شاعران نوپرداز بعنوان یکی از آموزه‌های نیما یوشیج نگاهی ویژه به اقلیم و جغرافیای بومی و بازتاب آن در شعر خود دارند. دریا بعنوان یکی از شاخصترین نشانه‌های اقلیمی و جغرافیایی بومی جنوب در شعر شاعران نوپرداز هرمزگان همواره مورد توجه بوده است.

دریا و متعلقات آن بومیترین و غالبترین نشانه برای شاعران دریانشین محسوب میشود؛ شاعر هرگاه بخواهد اشاره‌ی بسرزمین و زادگاه خود داشته باشد به سراغ دریا و متعلقات آن میرود: «یکساله اسکله / یکساله درد...» (منصفی، ۱۳۷۸: ۲).

گره خوردن آیین، سنن و فرهنگ مردم جنوب با دریا سبب شده شاعر هرگاه بخواهد به سروده‌هایش رنگ و صبغه بومی بزند ناچار کلام خود را به دریا ختم کند. در واقع دریا در میان مردم جنوب یک شاخص غالب فرهنگی است که حجم گسترده‌ی از فرهنگ بومی مناطق دریایی را شکل میدهد:

«جمعی برقص شادی / رخت عروسی میبندند / در ازدحام نیمروزی بندر / آنجا نشسته مردی تنها / اندوه میخورد / در ازدحام نیمروزی شرقی بندر / جمعی دهل زنان و پای کوبان / رخت عروسی میبندند / خلخال و دستاده و گردبند / و گشواره و ماهک / پیچیده در حریر بند زیارت / ویل و حریر و اطلس و ابریشم / و پر بهاتر از تمام هدایا / انگشتر نشانه میبندند» (همان: ۶۸).

دریا در شعر شاعران جنوب، دم‌دست‌ترین واژه برای شکل‌گیری تصاویر ناب هنری است. آنها باید سراغ کدام واژه و اصطلاح بروند که تا این اندازه برایشان ملموس و عینی باشد؟! در تصویرسازی، تشبیه، کنایه و... آنها همواره دریا را



**ب) نوع دوم: دریا، سمبلی از باورهای ملی - میهنی**

شاعران دریانشین اگرچه این واژه را شاخصترین مفهوم برای نشان دادن اقلیم و جغرافیایی بومی خود برگزیده‌اند، اما فراتر از این دریا، به مفهومی وسیعتر، سمبلی از میهن و وطن نیز همواره مورد توجه شاعران قرار داشته است. برای این نوع نگاه خاص شاعران به این واژه نمیتوان دوره زمانی خاصی را برشمرد. شاعران و پدیدآورندگان آثار ادبی از دیرباز به دریای جنوب بعنوان سمبلی از میهن و وطن نگاه ویژه داشته‌اند:

«ای کاش / ژرفای آب / آخرین وطن / کفم بود /...»

(همان: ۵۹).

نسل اول شاعران نوپرداز هرزگان که پیروان مکتب مفهوم‌گرای دهه چهل هستند در کنار تعزل و سایر مفاهیم رایج آن روزها، هرگاه میخواستند جلوه‌ی از وطن را بتصویر بکشند، عینی‌ترین و البته قابل دسترسی‌ترین واژه برای آنها دریای جنوب بود.

«هلهله کن مادر / اسم دریا را / بر آستانه عطر و نازش  
بیابویز / گلوبندی از نمک / و دندان گرگ / تاجی از شکوفه‌های  
نارنج /...» (منصفی، ۱۳۷۸: ۴۷).

عکس‌العمل پدیدآورندگان آثار ادبی به عنوان کردن نام جعلی در برابر نام تاریخی خلیج فارس بشکل کاملاً گسترده بازتاب یافته است. شاعران این دوره بی‌محابا بر این جعل تاریخی تاخته‌اند.

«رنگ آبی خلیج را / در دشداشه پیاده کرده‌اند / دور از چشم فانوسهای دریایی / اسمهای فراوانی را در نقشه وارونه کرده‌اند / کشتیهای بسیاری را سرگردان» /... (شهرجو، ۱۳۸۹: ۷).

در خلال این فرصت، شاعران جنوبی مجال یافته‌اند تا ضمن تعالی بخشیدن نام خلیج فارس و البته میهن، منطقه جنوب را نیز با اهمیت و استراتژیک بنامند:

«خیس نشو / این صندلی زیر پایت / که چوب گردوهایش  
را / از اعماق دریاهای جنوب آورده‌اند /...» (آرمات، ۱۳۸۰: ۴۲).  
«عذر این گریه سیاه / که پاهایش را مچاله کرده روی تنت  
ببذیر / چشم بر این نقشه دوخته / سلام ساعت خوب جغرافیا /  
چشم به آب میزنم / در رقص عود بندری / دشداشه تنت  
کرده‌اند / سفید ایستاده‌ای / بنقشه زل میزنی / بچشم سیاه  
گریه / به عصا و کتاب / به ساعت خوب جغرافیا» (شهرجو، ۱۳۸۹: ۲۳).

«خلیج فیروزه‌ای من / به چمیدن در میامی / هنگامیکه  
باد بر لبانت میخواند /...» (اکبری، بی تا).

اما شاعران دهه شصت و بویژه دهه هفتاد با نگاهی متفاوت به این واژه آثار خود را عرضه کردند. شاعران دوره اخیر متأثر از فضای سیاسی ایجاد شده برای نام تاریخی خلیج فارس، دریا را بشکل مستقیم عنوان «خلیج فارس» بیان نموده‌اند. در شعر این دسته از شاعران، دریا مترادف کاملی برای خلیج فارس است؛ البته «خلیج فارس»، سمبلی از میهن و وطن معرفی میشود.

«حواسم / یرت چشمهای توست / زنگهای جغرافی / به  
نخلها سپرده‌ام / بایستند / روی همین نقشه / کنار تو / که  
ننگه را بغل گرفته‌ای /...» (اسپید، ۱۳۹۰: ۷۱).

**پ) نوع سوم: دریا، دروازه‌ی برای ورود به دنیای مدرنیته**  
تحول ادبی متأثر از تحولات اجتماعی در کشورمان که از اوایل مشروطه آغاز شد، از میانه دهه سی شتاب بیشتری بخود گرفت (همانجا). در این میان، مرزهای دریایی بجهت شرایط استراتژیک بمنزله دروازه‌ی قرار گرفتند که در جبهه اول ورود این تحول قرار داشتند. از اینروست که نشانه‌های مدرنیته در ادبیات برای اول بار در شهرهای بندری مانند: آبادان، خرمشهر، بوشهر و بندرعباس و... رویت شد.

شاعران و نویسندگان دهه‌های سی و چهل جنوب ایران متأثر از این شرایط جزء پیشگامان ادبیات تحولگرا در ایران شدند؛ بزرگانی مانند: منوچهر آتشی، علی باباچاهی، صادق چوبک، ابراهیم منصفی، حسن کرمی، احمد محمود و... را میتوان جزء این دسته قرار داد.

شاعران نوپرداز هرمزگان دور نبوده است. شاعران دهه اخیر برخی از پدیده‌های امروزی را در ادامه همان تقابل و تعامل اجتماعی-ادبی گذشته میدانند که تا به امروز سایه تأثیر آن را در منطقه جنوبی کشور را میتوان احساس کرد. شاعران برای به تصویر کشیدن این پدیده‌ها اقبال نشان داده‌اند و در آثار خود به بازتاب آن پرداخته‌اند:

«تو بی جهت دریا را دور نزدیدی / یا دریا تو را / بی شک دستی نشانده تو را میان این همه آب و شناسنامه / و اسمهای سرگردان /... (شهرجو، ۱۳۸۵: ۱۴)

«به اسم تو میرساند رسیده‌اش را / رسید دریا / دستت را کنار بکش / از شیار عمودها و درز پیراهن تو باید بگذرد / بگیر - گرفته‌ام / روسری آبی‌ات را نه / - برگ سبز / - بنام تو صادر شده است دریا /... (شهرجو، ۱۳۸۵: ۱۵).

«در دستان نازک شریف / در رج بشکته‌های نفت / بوی تند بنزین / از بیلر سوت / کارگر شماره صدورش شرکت نفت /... (جماتی‌پور، بی تا).

«کشتی نفتی غول پیکر / درباره زنجیر جزایر / سنگین / بر آب میتابد / بی شتاب / از دهانه خلیج فارس / خارج میشود /... (حسینی، بی تا).

#### ت) نوع چهارم: دریا و نگاه نمادین به آن

شاعران نوپرداز هرمزگان غالباً دریا را در معنی قاموسی «sea» آن مورد توجه قرار داده‌اند، اما براساس یکی از آموزه‌های ادبیات نو و مدرن، مفاهیم انتزاعی نیز همواره مورد اقبال شاعران نوپرداز ایران بوده است. دریا هرگاه در شکل انتزاعی خود بتصویر کشیده شود، از معنی قاموسی خود فاصله گرفته و به نماد نزدیک میشود. شاعران امروزی برای خلق تصاویر و تعبیر شاعرانه بیش از آنکه سراغ مفاهیم عینی و دست اول بروند، مفاهیم ذهنی را مورد توجه قرار داده‌اند طبیعی است که در این حالت بسیاری از مفاهیم بمفهوم انتزاعی خود نزدیکتر میشوند:

«وقتی که آب‌ها / از سرگذشتند / و آبگیرهای شوریده / لب پر زدند / از بسیاری / و سبزه‌ها روئیدند /... (منصفی، ۱۳۷۸: ۱۷).

«در سپیده دریا و خون / بازوی بلندم خواهم شکست /... (کریمی، ۱۳۸۳: ۳۷).

دریا در مناطق جنوبی دروازه ارتباطی کشور با بسیاری از ممالک بود؛ البته این دروازه ارتباطی را نمیتوان منحصر به این سالها دانست، بلکه از دیرباز دریای جنوب عرصه‌یی برای داد و ستدهای اقتصادی بوده و در سایه این حضور و داد و ستدها، تقابل و تعامل فرهنگی و اجتماعی نیز صورت گرفته است. شاعران هرمزگان، مقداری از آشنایی خود با دنیای مدرنیته را وامدار این پهنه بزرگ آبی هستند؛ دریایی که مانند یک دروازه بزرگ، اولین نشانه‌های مدرنیته را به شهرهای بندری عرضه کرد:

«گامبرون سالهای پاکیزگی / و رنج بکارت / هیهات شپچراغ کشتی هندی من /... (منصفی، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

طبیعی است که شاعران دهه سی و چهل هرمزگان بلحاظ همزمانی با شکل‌گیری این پدیده اجتماعی و ادبی، در آثار خود آن را بیشتر بازتاب نموده‌اند:

«گامبرون سوخته / سرشار از آفتاب / کوبیده طبل کف آلود رنگینیان مست / جوشیده در تشنج رویای گرم آب / فریاد پرغبار هزاران گلوله را / در استوانه‌های آهنی آن دهان گرم / خندیده است /... (کریمی، ۱۳۸۳: ۲۱).

در دهه‌های اخیر اگرچه انعکاس این نگاه در آثار شاعران هرمزگانی بازتاب کمتری داشته است، اما باز هم نگاه ویژه شاعران جنوبی به این پدیده کاملاً خالی از اشاره نیست:

«این بندر / تنها یک در دارد / یک دریا /... (انصاری‌نسب، ۱۳۸۴: ۲۲).

از سوی دیگر، برخی شاعران نوپرداز هرمزگان اگرچه دریا را بمنزله دروازه‌یی برای ورود بدنای مدرنیته فرض کرده‌اند، اما این پدیده را در تقابل با سنن و فرهنگ بومی خویش نیز دانسته‌اند، از اینرو به تمجید آن پرداخته بلکه آثار و نشانه‌های آن را نیز مورد نکوهش قرار داده‌اند:

«این دریای غریب اگر بگذارد / در گوشه جزیره / از ریشه‌های لور / و رعشه‌های عود محمد منصور / آواز گمشده خود را / پس میگیرد و میخواند /... (رضایی، ۱۳۹۱: ۹۰).

بازتاب پدیده‌های امروزی این دروازه دریایی نیز از نگاه

شست و اوایل دهه هفتاد برمیگردد؛ دوره‌یی که میتواند عنوان درخشانترین دوره شعری این منطقه را بخود اختصاص دهد. ظهور چهره‌های جوان و پر انرژی، اقبال بسمت نوآوریهای رایج در شعر آن روزها، نشر آثار شاعران این دوره در نشریات ادبی، انتشار چندین مجموعه شعر در فاصله سالهای میانی دهه هفتاد و اواخر آن، این دوره را متمایز از سایر ادوار شعر هرمزگان کرد.

سعید آرمات، موسی بندری و علی آموخته‌نژاد را میتوان بعنوان چهره‌های تأثیرگذار شعر دهه هفتاد ایران نام برد و ظهور چهره‌هایی مانند: محمد ذوالفقاری، یدالله شهرجو، ساجده کشمیری، جواد قاسمی، عبدالمجید انصاری‌نسب، امین امیری، طیبه شهنزاده و... نوید روزهای بهتری برای شعر این سامان داد. شعر دهه هفتاد شعری است که بنوعی بازیهای زبانی در آن بجای قدرتهای بلاغی شعر معرفی گردید و برخلاف شعر دهه‌های قبل که اقبال قابل توجهی به معنا و مفهوم از خود نشان میداد و رویکرد آن استفاده بیشتر از امکانات زبانی بود، در این دوره، زبان بعنوان یکی از بنیانی‌ترین ابزارهای بیانی مطرح شد.

شاعران نوپرداز هرمزگان بنا به معانی ذهنی که در سر میپوراندند دریا را از چهار منظر مورد توجه میدهند:

الف) شاعر این واژه را برای انعکاسی از اقلیم و جغرافیای بومی مورد توجه قرار میدهد.

ب) مقصود شاعر از بکارگیری واژه دریا، اشاره مستقیم به خلیج فارس است که بویژه در سالهای اخیر، جنبه ملی - میهنی آن سخت مورد توجه بوده است.

پ) شاعران نوپرداز هرمزگان و البته سایر دریانشینان منطقه جنوب در دهه‌های سی و چهل، دریا را بمنزله دروازه مدرنیته تصور کرده‌اند و در اشعار خویش نیز این نگاه و تصویر را از ذهن دور نداشته‌اند.

ت) دریا و متعلقات آن گاهی از معنای قاموسی آن فراتر رفته و شاعران هرمزگان بعنوان نماد از آن سود جستند. این نوع بکارگیری این واژه گرچه بندرت انعکاس یافته است، ولی شاعران نوپرداز نسل اول یعنی دهه سی و چهل بشکل نمادین به واژه دریا نیز توجه خاص داشته‌اند.

نماد و نمادگرایی در شعر و ادبیات امروز با آنچه ما از تعریف نماد در حوزه‌های دیگر ادبیات مانند حوزه عرفانی داریم، متفاوت مینماید. در ادبیات عرفانی ما هرگاه از نماد حرف میزنیم، دال و مدلول بخوبی آشکار است و بروشنی میدانیم که دریا در ادبیات عرفانی نماد چیست، اما در شعر امروز این و مدلولها متغیر مینمایند، تخیل سیال ذهنی این قدرت را به شاعر و نویسنده امروزی میدهد تا بسیاری از مفاهیم را در قالب این تخیل سیال بشکلهای متفاوت به تماشا بگذارد. از همین‌روست که ما نمیتوانیم دریا را در شعر شاعران نوپرداز امروزی، نماد یک مفهوم خاص بنامیم:

«آن دم که چشمه خردی / بر ریگزار تفته / باز میماند / ناگاه جویبار تازه / میجوشد از درون / و پیش میتازد / بسوی دره و دریا /...» (همانجا).

«ای کاش چشم پیر و فرسوده‌ام را / جز دریا / گورستانی در بر نمیگرفت /...» (همانجا).

«هرگاه دریا در شعر شاعران نوپرداز هرمزگانی در این مفهوم جلوه میکند آینه‌یی میشود هفتاد رنگ، که از هر سو به آن مینگری رنگی خاص در نگاه تو رخ مینماید» (همانجا)

«دریا / چنان خموشی که گویی / آینه‌یی عظیم / و سیمایی منجمد /...» (همانجا).

«تا تمام دریا را / شنیده باشی / خسته بادبانی نیامده / دور / جایی میان دردهایت / میایستی / و مست مست / دریا میشوی /...» (آموخته‌نژاد، ۱۳۷۹: ۲۶).

«از چهره‌ام میزنم بیرون / دخیل مییندم بدریا / هی گریه بر اول خرداد / ۵۵ / یکی بیاید دلم را / از بحر در کوزه مولانا / بیرون بیاورد /...» (انصاری‌نسب، ۱۳۸۴: ۲۱).

«با موی برهنه / بر ساحل دریا / برقص / تا آن روح گمشده / دریا / حضورت را دریابد /...» (همانجا).

### نتیجه‌گیری

در شعر شاعران نوپرداز هرمزگان بویژه شاعران نسل اول ویژگی توجه به مفهوم دریا و خلیج فارس بخوبی قابل حس و دریافت است. ابراهیم متضفی و حسن کرمی دو چهره شاخص از شاعران نوپرداز نسل اول از جمله کسانی هستند که به استفاده از این شاخص و کارکرد بسیار مهم، اقبال نشان داده‌اند. حرکت و خیز بلند شعر هرمزگان به اواخر دهه

- انصاری نسب، عبدالمجید؛ تا سید سلیمان، قم: نشر رسول، ۱۳۸۴.  
- بندری، موسی؛ صدایی که پراز بارون بارونه، تهران: نشر آوای کلاز، ۱۳۹۰.

- تمیمی، فرخ؛ پلنگ دره دیزاشکن، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۵.  
- تجدد، حسین؛ «خلیج فارس نامی که هرگز تغییر نخواهد کرد»، دلائل و مستندات تاریخی غیرقابل انکار درباره خلیج فارس»، مجموعه مقالات، تهران: نشریه داخلی، شماره ۵، اردیبهشت ۱۳۸۹.

- جماتی پور، ماشاءالله؛ شکوه سکوت، مجموعه شعر، تهران: نسیم الهی، ۱۳۸۱.

- رضایی، علی؛ زخمه‌های زخمی، تهران: نشر فصل پنجم، ۱۳۹۱.

- روزنامه جام جم؛ شماره ۳۲۷۹، ص ۱۱، ۱۳۸۷/۲/۲۱.

- روزنامه اطلاعات؛ شماره ۲۴۲۰۵، ص ۳، ۱۳۸۷/۳/۸.

- شرفشاهی، کاظم کامران؛ «خلیج فارس در شعر معاصر ایران»، اطلاعات، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۹، ص ۶.

- شفیع کدکنی، محمدرضا؛ با چراغ و آینه، تهران: نشر سخن، ۱۳۹۰.

- شهرجو، بداله؛ یک صندلی کنار دریا، تهران: انتشارات مهرآوش، ۱۳۸۵.

- \_\_\_\_\_؛ جزیره در حاشیه متن، شیراز: انتشارات داستان سرا، ۱۳۸۹.

- صارمی، سهیلا؛ مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶.

- عطار، فریدون؛ اسرارالتوحید، تصحیح صادق گوهرین، تهران: نشر زوار، ۱۳۷۵.

- فتوحی، محمود؛ تحلیل و تصویر دریا در مثنوی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۱، ۲۴، ۱۳۸۰.

- فرح، مسعود؛ هم‌گویی، شیراز: انتشارات داستان سرا، ۱۳۸۳.

- کرمی، حسن؛ رویای آفتاب در هزاره ظلمت، تهران: نشر هفت رنگ، ۱۳۸۳.

- منصفی، ابراهیم؛ رنج ترانه‌ها، تهران: نشر هفت‌رنگ، ۱۳۷۸.

- \_\_\_\_\_؛ گفتگو با سیروس ماهباز، مجله فردوسی، تیرماه، شماره ۹۱۸، ۱۳۴۸.

- مولوی، جلال‌الدین؛ مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، لندن: ۱۹۹۳.

- نقوی، حسام‌الدین؛ زخم هزار ترانه، تهران: گلشن از، ۱۳۸۸.

- وزین پور، نادر؛ زبان فارسی، تهران: دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران، ۱۳۵۶.

#### منبع انگلیسی

- Wilson, Arnold Talbot; The persian Gulf: an historical sketch from the earliest time to the beginning of the twentieth Century, Oxford: Clarendon press, 1928.

گره خوردن آیین، سنن و فرهنگ مردم جنوب با دریا باعث شده شاعر هرگاه بخواهد به سروده‌هایش رنگ و صبغه بومی بزند ناچار به دریا بپردازد. دریا در میان مردم جنوب یک شاخص غالب فرهنگی است که حجم گسترده‌یی از فرهنگ بومی مناطق دریایی را شکل میدهد. شاعران دریانشین اگرچه این واژه را شاخصترین مفهوم برای نشان دادن اقلیم و جغرافیای بومی خود برگزیده‌اند، اما فراتر از این دریا، در مفهومی وسیعتر، سمبلی از میهن و وطن نیز همواره مورد توجه شاعران قرار داشته است. برای این نوع نگاه خاص شاعران به این واژه نمیتوان دوره زمانی را قرار داد؛ شاعران و پدیدآورندگان آثار ادبی از دیرباز به دریای جنوب بعنوان سمبلی از میهن و وطن نگاه ویژه داشته‌اند.

دریا در مناطق جنوبی دروازه ارتباطی کشور با بسیاری از ممالک میباشد که البته نمیتوان این دروازه ارتباطی را منحصر به این سالها دانست بلکه از دیرباز دریای جنوب عرصه‌یی برای داد و ستدهای اقتصادی بوده و در سایه این حضور و داد و ستدها، تقابل و تعامل فرهنگی و اجتماعی نیز صورت گرفته است. شاعران هرمزگان، مقداری از آشنایی خود با دنیای مدرنیته را وامدار این پهنه بزرگ آبی هستند؛ دریایی که مانند یک دروازه بزرگ اولین نشانه‌های مدرنیته را به شهرهای بندری عرضه کرد. دریا هرگاه در شکل انتزاعی خود به تصویر کشیده میشود، از معنی قاموسی خود فاصله گرفته، به نماد نزدیک میشود. شاعران امروزی برای خلق تصاویر و تعبیر شاعرانه بیش از آنکه بسراغ مفاهیم عینی و دست اول بروند، مفاهیم ذهنی را مورد توجه قرار میدهند و طبیعی است که در این حالت، بسیاری از مفاهیم به مفهوم انتزاعی خود نزدیکتر میشوند.

#### منابع فارسی

- آرما، سعید؛ برخاک مثنوی بپرد و صدا: برگزیده شعرها تا بیست سالگی، تهران: انتشارات دارینوش، ۱۳۷۷.

- \_\_\_\_\_؛ این صندلی جای کدام سفر است، تهران: انتشارات نیم

نگاه، ۱۳۸۰.

- آموخته‌نژاد، علی؛ یک پنجشنبه، یک پیاده‌رو، تهران: نشر معیار، ۱۳۷۹.

- اسپید، زهر؛ سردهسته گل‌های وحشی، تهران: انتشارات توس گستر، ۱۳۹۰.